

خوانش ترامنتی نقش اژدهای هفت سر
 دریا با تأکید بر نقش تنین در عجایب
 نامه‌های اسلامی/ ۱۴۹-۱۶۹/ ابو الفضل
 عبداللّهی فرد- پروین پورزینال



عجایب المخلوقات قزوینی (۱۷۰۰ م)،
 زبان: ترکی، مأخذ:
 Staatsbibliothek zu Berlin



خوانش ترامتنی نقش اژدهای هفت سر دریا با تأکید بر نقش تنین در عجایب نامه‌های اسلامی

ابوالفضل عبداللّهی فرد* پروین پورزینال**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

صفحه ۱۶۹ تا ۱۷۹

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

تنین، موجودی هیبریدی با هفت سر، یکی از افسانه‌های گمنام در بطن تاریخ و جلوه‌گر در عجایب نامه‌هاست. تصویر اژدهای مارگونه و هفت سر دریا با نام‌های متفاوتی از اسطوره یام و بعل مردم بین‌النهرین تا جزیره مار و روایت اسکندر در طول تاریخ ارائه شده و بعدها بر قاعده خیال مخاطب نسخ عجایب نامه نقش بسته است. این موجود از یهودیت تا اسلام از یونان تا ایران سفر کرده است. نظریه ترامنتیت ژرار ژنت، رویکردی کاربردی است که در خوانش متون تصویری مؤثر بوده و روابط درهم‌تنیده شبکه‌های متنی و تصویری و دلالت‌مندی‌های مرتبط را آشکار می‌سازد. اهداف این مطالعه، از یک سو، گردآوری و تحلیل نمونه‌های پراکنده اژدهایان هفت سر با منشأ مشترک و آشکارسازی مفاهیم آن‌ها از طریق تصاویر و روایات مکتوب است و از سوی دیگر، واکاوی ارتباط ترامنتی بین این نمونه‌های گردآوری شده با یکدیگر است و از سوی دیگر جستجوی رد پای نقش اژدهای هفت سر دریا در تاریخ، یافتن حقیقت پنهان در پس آن و مفهوم‌بخشی به آثار هنری معاصر با درک بهتر و ریشه‌ای از نقوش کهن است. سوالات این مطالعه عبارت‌اند از: ۱. به‌طور کلی نقش تنین به چه موجودی اطلاق می‌شود؟ ۲. چگونه می‌توان نظریه ترامنتیت ژنتی را در خوانش نقش تنین و ارتباط این نقش با اسطوره‌های کهن به کار برد؟ روش تحقیق در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و جامعه آماری آن شامل کلیه نقوش و روایات اژدهایان هفت سر است که به‌صورت اثری هنری و یا ادبی مانند داستان یا اسطوره باقی مانده و در دسترس هستند. از این میان، شش نقش و روایت به‌عنوان نمونه به‌صورت هدفمند از سوی نویسندگان انتخاب و از جنبه‌های بصری و روایی تحلیل شده‌اند. **نتایج** نشان داد تنین موجودی با یک سر انسانی و شش سر مارگونه است که به باورمندی شرارتی که فقط به واسطه قدرتی لایزال چون خدا و یا بندگان برحق او از میان می‌رود، اشاره دارد. همچنین، بر اساس نظریه ترامنتیت که روشی در خوانش متون تصویری است، به واسطه تبیین یک الگوی چهار مرحله‌ای، ارتباط تصویری و مفهومی بین نمونه‌های مطالعاتی قابل اثبات است.

واژگان کلیدی

تنین، اژدهای هفت سر، ترامنتیت، عجایب نامه، اسطوره.

* دانشیار، هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، عضو دانشکده هنرهای تجسمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Esmail: a.abdollahifard@tabriziau.ir

Email: pourzeynal.p@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه هنر اسلامی تبریز

مقدمه

اژدهای هفت سر در طول تاریخ، در نسخ متعدد، گل نبشته‌ها، مهرها و در مناطق مختلف به چشم می‌خورد. یکی از اصلی‌ترین مزیت‌های پیگیری این نقش که در تاریخ باستان نیز قابل بررسی است، وجود بخش ادبی آن در نسخ خطی و تعاریف مشخصی است که مردمان و نویسندگان آن زمان از این نقوش داشته‌اند. بحث برانگیزترین مسئله درباره تنن در عجایب‌نامه‌ها سه تعبیر مختلف و ترسیم‌های متفاوت است. هم‌زمانی نگارش سه تعبیر مختلف در یک نسخه خطی توسط نگارنده جای بسی تعجب دارد که همین امر ضرورت کاربست رویکردهایی مانند نظریه ترامنتیت ژرار ژنت را در رابطه با برگرفتنی هر متن از متنی دیگر در دل تاریخ بیشتر به چشم می‌آورد. این هم‌زمانی تعبیر مختلف و اشاره به آن توسط نویسنده می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. به گفته نویسندگان عجایب‌نامه‌ها، این متون به بیان عجایب روزگار، نقل قول‌ها و روایات برگرفته از سایر مناطق جهان می‌پردازد. بنابراین، این امکان وجود دارد که نویسنده سه موضوع مختلف را با یک نام توجیه کند و صحت روایت و باورمندی را به خواننده واگذارد. دلیل دیگر که در این پژوهش به بررسی آن می‌پردازیم، می‌تواند دیرینه‌ای از یک مفهوم و تصویر واحد باشد که دچار تغییر شکل‌هایی بر اساس اقتضای زمان و منطقه خود شده است. این دیرینه که از سه هزار سال پیش از میلاد، انسان را در میان مصائب روزگار خویش، روایتگر خدایانی از خیر و شر کرده است تا با توسل به نقوش، بتواند قدرت ادامه حیات را بیابد و به نسل‌های بعدی این استقامت را انتقال دهد. نوری از امید با نام خدای بعل، یام (اژدهای دریا که آب را می‌بلعد و خورشید را سوزانده و طریقت رزق یابی‌اش را به نابودی می‌کشاند) را در هم می‌کوبد و برکت را دوباره باز می‌گرداند. این حکایت امیدواری، قدرت خداوندگار ایوب را به نمایش می‌گذارد و دنیا را از شرارت مخلوق عجیب‌الخلق خودرها می‌کند.

چیدمان نقش‌ها و روایت‌های ادبی و پیگیری اسطوره‌ها تا زمان حال، سیر خطی شکل‌گیری آثاری مفهومی را به دست می‌دهد که این مفاهیم در دل تاریخ و در پس نقوش‌ها گاه پنهان، کتمان و یا کم‌رنگ شده‌اند. ترامنتیت ژرار ژنت بر این امر صحنه می‌گذارد که اسطوره‌ها در گذر زمان از میان می‌روند و عناصر اسطوره‌ای در اشکال مختلف افسانه‌ها، خود را نمایان می‌سازند. آنچه پابرجاست مفاهیمی هستند که در قالب نقوش‌ها تعبیه شده‌اند و با بررسی سیر تدریجی نقوش می‌توان به مضامین و مفاهیم آن‌ها پی برد.

اهداف این مطالعه، از یک سو، گردآوری و تحلیل نمونه‌های پراکنده اژدهایان هفت سر با منشأ مشترک و آشکارسازی مفاهیم آن‌ها از طریق تصاویر و روایات مکتوب است و از سوی دیگر، واکاوی ارتباط ترامنتی بین این نمونه‌های گردآوری‌شده با یکدیگر است و از سوی دیگر جستجوی

رد پای نقش اژدهای هفت سر دریا در تاریخ، یافتن حقیقت پنهان در پس آن و مفهوم‌بخشی به آثار هنری معاصر با درک بهتر و ریشه‌ای از نقوش کهن است.

مسئله پیش‌رو در مقاله حاضر، بررسی صحت ارتباط نقوش موجودی به نام تنن با نقوش اسطوره‌ای کهن در طول تاریخ است تا بتوان به این دو سوال پاسخ داد: ۱. نقش تنن به چه موجودی اطلاق می‌شود؟ ۲. چگونه می‌توان نظریه ترامنتیت ژنتی را در خوانش نقش تنن و ارتباط این نقش با اسطوره‌های کهن به کار برد؟

ضرورت و اهمیت انجام این تحقیق، تبیین ارتباطات تاریخی بین این نقوش از طریق خوانش ترامنتی و ارائه شواهد علمی برای پیوند اسطوره‌ها با افسانه‌هاست. در نتیجه این موجود اهریمنی که تنها نقش مقابل او خالق مطلق است، نماد توسلات انسانی در اعصار مختلف از درک مرگ و خلقت و وقایع غیرقابل‌شرح آن زمان است. همچنین، این پژوهش می‌تواند در عصر نوین و با گرایش هنرمندان به کهن‌الگوها در تمام شاخه‌های هنری، به شناخت و درک هرچه بهتر این اسطوره تاریخی (اژدهای هفت سر دریا) و شکل‌گیری آثاری مفهومی و پرمایه کمک کند.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی- تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و با بررسی آثار موجود در موزه‌ها و گالری‌های معتبر نگه‌دارنده آثار تاریخی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه نقوش و تعاریف اژدهایان هفت سر است که در قالب آثار هنری (مانند نسخ خطی، مهرهای گلی و غیره)، بر همین اساس جامعه آماری نگاره‌های نسخه شاهنامه بزرگ ایلخانی و تعداد نمونه ۴ نگاره سوگ نگاره که از شمن نشان را بستند، بصورت هدفمند به عنوان نمونه‌های مطالعاتی از جانب نویسندگان انتخاب شده‌اند.

در این پژوهش، ابتدا موضوع و نمونه‌های پیکره مطالعاتی، یعنی نقش اژدهای هفت سر در تاریخ باستان و همچنین در متون عجایب‌نامه‌ها، تشریح شده است. سپس، نقوش و اسطوره‌های مرتبط با آن، معرفی گردیده و در ادامه، ارتباط این نقوش با یکدیگر در چارچوب مفاهیم بنیادی بیش‌متنیت ژرار ژنت مورد بررسی قرار گرفته است.

این پژوهش از نظر نوع داده‌ها، کیفی است و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز بر این اساس به روش کیفی انجام پذیرفته است.

پیشینه تحقیق

عجایب‌نامه‌ها از جمله موضوعاتی هستند که همواره مورد اقبال نویسندگان و پژوهشگران مختلف قرار گرفته‌اند. اگرچه مطالعات متعددی در این زمینه انجام شده، اما بررسی نقوش داخل عجایب‌نامه‌ها کمتر مورد توجه بوده است.



تصویر ۱. مهر استوانه‌ای سنگی اکدی از تل اسمر، مأخذ: شماره ۴۷۸، شماره موزه: IM15618، دانشگاه شیکاگو

از Wikipedia و همچنین دائرةالمعارف علمی کتاب مقدس در (WiBiLex) به زبان آلمانی می‌توان به اطلاعاتی از نام و افسانه تنین دست یافت.

اژدهای هفت سر دریا

در بسیاری از اسطوره‌ها، الگوی تکرار شونده‌ای وجود دارد که در آن، یک خدا با هیولای هرج و مرج (آشوب)^۱ می‌جنگد تا نظم کیهان را برقرار سازد. هیولاهای بزرگ دریایی در داستان‌ها مانند یادگاری از سنت‌های قدیمی تر خلقت به نظر می‌رسند. در اسطوره‌های بابلی - آشوری، مردوک، تیامات را شکست می‌دهد و نرگال، مار غول‌پیکری به نام باشمو را از پای در می‌آورد. در یونان، زئوس تایفئوس را شکست می‌دهد و آپولو پیتون را که هر دو مار غول‌پیکر هستند، شکست می‌دهد. در اساطیر اوگاریتی، بعل، یام و لوتان را مغلوب می‌کند و در روایت‌های یهودی، یهوه بر لویاتان (هیولایی دریایی مار مانند) چیره می‌گردد.

با این تکرار استفاده در عین مشابهت، این فرضیه مطرح می‌شود که آیا برخی فرهنگ‌ها اسطوره‌های خود را از فرهنگ دیگری کپی کرده‌اند؟ در واقع، در طول تاریخ مردم به جای آن‌که از مجموعه‌ای از اسطوره‌ها، انواع داستان‌ها و تصاویر استفاده کنند، از مجموعه‌ای از عناصر اسطوره‌ای که همه آن‌ها را به ارث برده‌اند، استفاده کرده‌اند و این عناصر اسطوره‌ای را در روند حیات خویش به کار بسته‌اند.

در حماسه‌های بابلی، نمونه‌های متعددی مانند تیامات وجود دارند که تا حدی به موجود هیبریدی هفت سر تنین

زهره مسعودی امین در مقاله‌ای با عنوان «تطبیق شکلی نگاره‌های افلاک عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات قزوینی» و کتاب «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم» نشریه نگره، شماره ۶۲، سال ۱۴۰۱، به صورت موردی به این مسئله پرداخته است. با این حال، در مرور مقالات داخلی، هیچ پژوهشی به بررسی نقش تنین به طور کلی یا نقش اژدهای هفت سر با سر انسانی در عجایب نامه‌ها نپرداخته است. از سوی دیگر، بررسی و تشریح آثار تصویری بر اساس نظریه ترامنتیت نیز بسیار مورد بحث قرار گرفته است که در رأس این مقالات می‌توان به مقاله «بیش متنیت ژنتی به مثابه رویکردی در خوانش متون تصویری؛ مطالعه موردی: لوگوی هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران» نوشته دکتر بهمن نامور مطلق و حسام حسن زاده، رهپویه هنر، دوره ۵، شماره ۱، سال ۱۴۰۱ اشاره کرد که راهگشای بسیار دقیقی برای تبیین مرحله‌ای تصاویر و متون در مراحل مشخص بیش متنیت است. همچنین، مقاله «خوانش آثار پیکرنگاری مهرعلی، نقاش دوره قاجار، با رویکرد ترامنتیت ژرار ژنت»، از الناز عزیزی در نشریه نگره، دوره ۱۸، شماره ۶۵، سال ۱۴۰۲ در همین راستا قابل توجه است. کتاب «بینامتنیت» اثر گراهام آلن، ترجمه پیام یزدانجو، ۱۳۸۵، نشر مرکز، به بررسی چگونگی ارتباط و پیوند یک متن با چندین متن دیگر می‌پردازد. با این وجود، در میان پژوهش‌های فارسی، هیچ مطالعه‌ای به نقش تنین در عجایب‌نامه‌ها، ماهیت این موجود، یا ارتباط آن با اسطوره‌های کهن در طول تاریخ و نقوش به جامانده از آن‌ها نپرداخته است. گفتنی است در مواردی کوتاه از Dictionary of the old testament یا

۱. هرج و مرج اصطلاحی برای بی‌نظمی و آشفتگی پیش از آفرینش است؛ حالت خلأ اساطیری قبل از ایجاد کیهان.



تصویر ۲. مهر گلی، ۲۵۰۰ پیش از میلاد، مجموعه برمن، مأخذ: موزه سرزمین کتاب مقدس، اورشلیم.

یام، برادر بعل و موت (خدای مرگ اوگاریتی) بود. یام به عنوان خورشید شناخته می‌شد. فصل دریانوردی در مدیترانه شرقی باستان، در آوریل/ مه، در آغاز فصل گرم و خشک سال شروع و در سپتامبر و اکتبر، پایان فصل گرم و خشک به پایان می‌رسید. به همین دلیل است که بعل، خدای طوفان و خنکی و پرآبی با یام، خدای گرما و خشکی سال می‌جنگد. درواقع یام در تابستان توسط برادرش موت همه‌چیز را تبدیل به صحرا می‌کند. از طرفی به لحاظ نمادین، مار همواره با خورشید در ارتباط است. این حیوان خورشیدی است و از او پیروی می‌کند و نماد گرمای خورشید محسوب می‌شود. ساکنان بین‌النهرین، مار و اژدها را با گرمای خورشید یکی می‌دانستند که روی مهر تل اسمر دیده می‌شود و پرتوهای خورشید از پشت اژدها تابیده می‌شد. آنچه مشاهده می‌شود، اژدهایی است که باران را دزدیده (گرمای خورشید که آب را دزدید و بر آن نگهداری می‌دهد) و تنها راه رها کردن آب، کشتن اژدهاست (تصویر ۱). اژدها توصیف نمادین گرمای تابستان است که باعث خشکسالی و مرگ می‌شود و تشابه نمادین این اژدها با مار از اینجا شکل می‌گیرد. تنّین یا لویاتان و یا لوتان اژدهای تحت امر یا تسخیرکننده آب یا نمودی از خود (یام) است که نگهبان آب نیز خوانده می‌شود. همان‌طور که ایوب در سفر ایوب، فصل هفتم به خدا گلایه می‌کند: «آیا من

شباهت دارند، اما جالب‌ترین و قابل استنادترین تصاویر در بین‌النهرین است. در این منطقه، صحنه‌های نبرد با مار یا موجود اژدها مانند با هفت سر، نقشی رایج در مهرهای دوره تقریباً ۲۵۵۰-۲۳۵۰ پیش از میلاد بوده است. این صحنه‌ها معمولاً به عنوان مبارزه با هرج و مرج یا مبارزه با اژدهایان شناخته می‌شوند.

در حدود سال ۱۳۷۰ پیش از میلاد، کاتبی به نام ایلیمالکو بخشی از حماسه بعل را روی لوح گلی نوشت تا به کتابخانه اوگاریت، شهر بندری بزرگ در شمال سوریه، افزوده شود. مردم اوگاریت به زبان سامی غربی سخن می‌گفتند و خدایانشان از پانتئون کنعانیان می‌آمدند. ال، خدای پدر، بعل، خدای طوفان سهمگین، آشوره، مادر و ملکه و آنات الهه جنگ و نبرد بودند. حماسه بعل گاهی چرخه بعل نیز نامیده می‌شود، زیرا تعاملات دراماتیک آن منعکس‌کننده چرخه کیهانی زندگی و مرگ است.

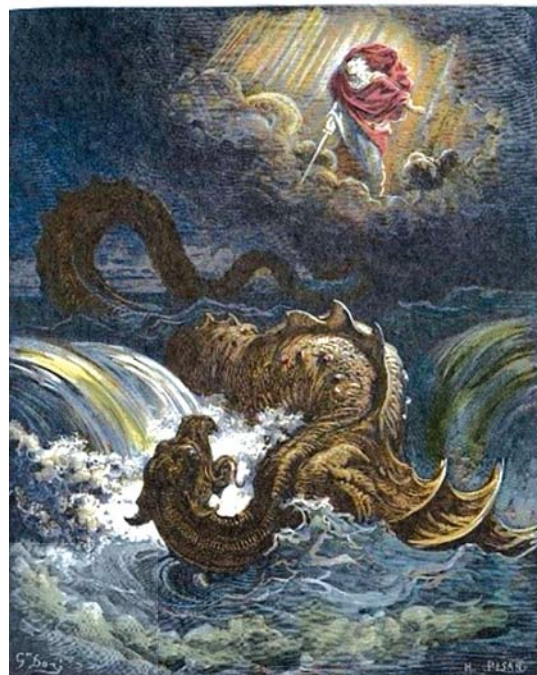
در این اسطوره، خدای خورشید یام و هیولای تحت امر او یا نمودی از خود او، به شکل هیولایی دریایی با هفت سر نمایش داده شده است. (این ماجرا بسیار شبیه به روایت کتب مسلمانان در مورد سحابی است که تنّین را نابود می‌کند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت). این افسانه نبرد بعل با یام و موت است؛ اما چرا یام را خدا و اژدهای مارگونه (ماری عظیم‌الجثه) در دریا می‌دانستند؟

می‌توان استدلال کرد که هفت اژدهای تابستان، مربوط به هفت ماه تابستان شام و بین‌النهرین هستند.

در یک مهر دیگر، شاهد صحنه‌ای از این اژدها هستیم. بین‌النهرین دارای تاریخچه‌ای طولانی از داستان‌های جنگ با موجودات اژدها مانند دریای اولیه است. به‌عنوان مثال، در هزاره سوم پیش از میلاد، در متن سومری به نام شاهکارها و بهره‌برداری‌های نینورتا، نینورتا یک مار هفت سر (و همچنین سایر دشمنان چند سر) را شکست می‌دهد. (Enns, Longman, 2008: 159).

مطابق تصویر ۲، خدای قهرمان، نینورتا در حال مبارزه با هیولای شعله‌ور هفت سر است. این صفحه متعلق به ۲۵۰۰ - ۲۴۰۰ پیش از میلاد، است و در موزه سرزمین‌های کتاب مقدس [BLM]، اورشلیم (اسرائیل)، نگهداری می‌شود. فقط یک سر توسط خدای قهرمان زانو زده‌ای که داس در دست دارد، قطع می‌شود. درواقع این تصویر مرتبط با تقویم کشاورزی سومری است. در اولین ماه از هفت ماه تابستان که اژدهای هفت سر نشان‌دهنده آن است، برداشت غلات انجام می‌شود. به همین دلیل است که خدای قهرمان دانه‌ای بر کلاهش دارد. موضوع زمانی جالب می‌شود که تشابهات بین کتب مقدس عبری و چرخه بعل اوگاریتی دیده می‌شود. برای مثال؛ این گزیده از ابتدای لوح سوم حماسه یام و بعل نقل می‌شود:

- من (آنات) با یم، محبوب ال، جنگیدم.
- همانا من رودخانه (نهار)، یا خدای آب‌های بزرگ را به پایان رساندم.
- یقیناً من تنین را بستم و (?) او را نابود کردم.
- من مارپیچ خورده را زدم.
- قدرتمند با هفت سر (Mark S, Wayne, 2009:204).
- حالا آن را با این قسمت از کتاب عبری ایوب مقایسه کنید:
- با قدرت خود دریا را برافروخت.
- به حکمت خود رهاب را تکه‌تکه کرد.
- با نفس او آسمان صاف شد. دستش مار سرخورده را



تصویر ۳. (۱۸۲۲ - ۱۸۸۳ م) اثر تصویرگر کتاب مقدس، فون گوستاو دور. مأخذ: <https://www.meisterdrucke.com>

دریا هستم؟ یا نهنگ هستم که بر من نگهبان قرار داده‌ای؟» (نهنگ ترجمه‌ای است که در کتاب جمیز وب از اژدهایان آب کرده‌اند).

آنچه روی این مهر به تصویر کشیده شده، نشان می‌دهد که اژدهای هفت سر روایت ما توسط دو قهرمان - با ضربه‌ای به پشت و سپس با ضربه‌ای نهایی به سر - کشته می‌شود. درواقع، این دو یک خدا هستند: خدای طوفان. حملات او به پشت و سر اژدها نشانه پایان فصل تابستان و آغاز فصل باران است. بر اساس افسانه‌ای از آفرینش سومری،



تصویر ۵. نسخه عجایب المخلوقات طوسی (۱۴۰۰ م)، زبان فارسی، مأخذ: <https://gallica.bnf.fr>



تصویر ۶. افسانه هیدرا، مأخذ: <https://www.britishmuseum.org>

۱. OT. عهد عتیق یا عهد قدیم بخش اول کتاب مقدس مسیحی است که به‌طور کلی بر تنخ، مجموعه کتب مقدس یهودیان، استوار است.

سوراخ کرد (سفر ایوب (Job) فصل ۲۶)

اژدهای هفت سر در یهودیت و مسیحیت با نام‌های لویاتان و رهاب تلفیق شده است. کلمه تنین در کتاب‌های عبری چهارده بار به کار رفته است (Bakus, ۲۰۱۹). برخی از متون باستانی خاور نزدیک که پیش‌تر ذکر شد، Old Testament از وجوه و نام‌های مختلفی از قلمرو طبیعت برای به تصویر کشیدن شرارت، آشفتگی و آنچه غیرقابل کنترل است، استفاده می‌کنند. این محوریت‌ها که شالوده‌ای از روایت اژدهایی ناآرام در دریا برای ایجاد آشفتگی است در کتاب Genesis (سفر پیدایش)، Exodus (سفر خروج یا شمول)، Deuteronomy (سفر تثبیه)، Psalms (مزامیر)، Job (سفر ایوب)، Ezekiel (سفر حزقیال)، Isaiah (کتاب اشعیا) و Jeremiah (کتاب ارمیا) مشاهده شده است.

قابل تأمل است که در ترجمه‌ها و کتاب‌های عهد عتیق گاهی تلاش‌هایی برای پیوند دادن این موجودات با حیوانات مختلف، مانند تمساح و اسب آبی صورت گرفته است، اما تصاویر و توصیفات مربوط به این موجودات، چنین تطابقی را غیرقابل قبول می‌سازد. اگر بخواهیم تصویر مشترک مناسبی از نام‌های مختلف ارائه شده ترسیم کنیم، ماهی‌های ماقبل تاریخ، دایناسورها یا اژدها نزدیک‌ترین شباهت به این موجود خواهند داشت. یک مار دریایی هیولا گونه، نماد اساطیری رایج برای ناآرامی و نوعی نبرد و هرج و مرج در خاور نزدیک باستان بوده است. این هیولا‌های آبی روایت شده در کتب مقدس (تصویر ۳) احتمالاً برای داشتن لحنی اسطوره‌ای در راستای هدف شاعرانه یک قطعه معین در نظر گرفته شده‌اند. در نهایت استفاده موازی و مکرر از این اصطلاحات در کتاب مقدس و جاهای دیگر مانند چرخهٔ بعل، دلالت بر این دارد که تنها یک موجود دریایی مارپیچ مرتبط با دریا در نظر گرفته شده و در گذر زمان نام‌ها و تغییرات ظاهری برحسب روایت و یا نقل قول‌ها شکل گرفته است. رایج‌ترین اصطلاحات موجود در کتاب مقدس مسیحیان «رهاب»، «لویاتان»، «تنین» هستند. تنین چهار بار، لویاتان شش بار و رهاب چهار بار در کتب مقدس آمده است (Bakus, 2019). برای مثال در کتاب پیدایش، فصل اول آمده است:

● پس خداوند مخلوقات بزرگ دریا و هر جاندار و متحرکی را که آب از آن می‌ریزد، برحسب نوع آن‌ها و هر پرندۀ بالدار را برحسب نوع خود آفرید و خدا دید که خوب است.

● خداوند برای اقیانوس مرز می‌گذارد و برای روز و شب، مرز قرار می‌دهد. به قوت خود دریا را به تلاطم می‌آورد و به فهم خویش رهاب را خرد می‌کند. روح او آسمان‌ها را زینت می‌دهد و دست او مار تیزرو را هلاک می‌کند (سفر ایوب (Job) فصل ۲۶).

به وضوح، منشأ آشوب دریا را موجودی مارگونه و تیزرو به نام رهاب عنوان می‌کند. ماهیت خصمانهٔ این موجود

در ترجمه‌های مختلف سؤال ایوب از خدا نیز بازتاب یافته است. در این سؤال، به طور ضمنی آمده است: «آیا من دریا هستم یا اژدهای دریایی (نهنگ) (tannin) که تو برای من نگهداری قرار داده‌ای؟» (سفر ایوب، فصل ۷). همچنین، در (حزقیال، فصل ۳۲) از به دام افتادن یک هیولای دریایی و کشیده شدن آن به خشکی سخن می‌رود. در (کتاب اشعیا، فصل ۲۷) آمده است: «در آن روز خداوند با شمشیر بسیار تیز و برندهٔ خود لویاتان را که ماری تیز و پیچیده است، به سزای اعمالش خواهند رساند و آن اژدها را که در دریاست خواهد کشت.»

بر اساس سنت باستانی یهودیان، هنگامی که خداوند جهان را آفرید، با هیولای دریایی وحشتناک لویاتان مبارزه کرد. در پایان روزها، نبرد تلخی بین خالق و این جانور در می‌گیرد و سرانجام، خداوند لویاتان را نابود کرد. سنت یهودی به تصویر پر عظمت لویاتان اهمیت بسیاری می‌دهد. این موجود نه تنها شش بار در کتاب مقدس نام برده شده، بلکه بعدها حدود ۸۲۸ بار در متون تلمودی، آگادا میدراشیم (افسانه‌های یهودی)، کتاب‌های دعا، تفاسیر اولیه و متأخر، متون کابالایی و زوهر استفاده شده است. در منابع حسیدی و حتی روی حکاک‌های چوبی که تابوت‌های مقدس در کنیسه‌ها را تزئین می‌کنند، نشان داده شده است (Gurevitch, 2016:51). مفسران اتفاق نظر دارند که کتاب مقدس از واژه لویاتان به معنای تحت‌اللفظی عبری نهنگ استفاده نمی‌کند، بلکه آن را به عنوان موجودی افسانه‌ای و باستانی توصیف می‌کند (Gurevitch, 2016:59).

همچنین در روایت ۴۱ از کتاب ایوب به نام لویاتان اشاره می‌کند. در آنجا لویاتان یک هیولای دریایی است که آتش بیرون می‌دهد و دود تنفس می‌کند و چشمانی درخشان دارد که انسان از توان مقابله با او عاجز است و تنها خداست که بر عظیم‌ترین بلایای روی زمین که لویاتان یکی از آن‌هاست فائق می‌آید؛ اما در هیچ یک از متون کتاب مقدس به تعداد سرهای این موجود اشاره نشده است، جز در مزامیر ۷۴ که می‌گوید: «ما تو ای خدا، پادشاه من از قدیم هستی. تو نجات را بر روی زمین می‌آوری. این تو بودی که با قدرت خود دریا را شکافتی. سر هیولا را در آب شکستی. این تو بودی که سرهای لویاتان را له کردی و او را به عنوان غذا به موجودات صحرا دادی.

این تو بودی که چشمه‌ها و نهرها را باز کردی.

رودهای همیشه جاری را خشک کردی.»

در اینجا باید به دو تشابه تفسیر شده بین لویاتان و تنین که در متون عجایب‌نامه‌ها آمده است، توجه کرد. یک تشابه در چشمان درخشان است که انسان توان مقابله با آن را ندارد و همچنین، تنفس دود یا بخار داغ که از دهان آن‌ها خارج می‌شود. علاوه بر این، اشاره مستقیم به سرهای لویاتان، نکته‌ای مهم در این بررسی است. از سوی دیگر، خداوند که تنها از بین برندهٔ لویاتان (هیولای چند سر دریایی) است،

۱. Lernaean Hydra
۲. اخیدا (Echidna) یا اکیدنا، مانند یک افعی، موجود عجیبی که بدن او، بدن یک زن و قسمت پایین آن، به جای پا، به دم ماری ختم می‌شد.

3. Typhon
4. Hēraklēs



است. الهی دانان لیبرال که در مورد داشتن اژدها (معتقد بودند افسانه است) در کتاب مقدس مشکوک هستند، تفسیر شغال را ترجیح می‌دهند. کلمه عبری برای شغال (Tan) و جمع آن (Tanim) است. پس شباهتی در این دو کلمه وجود دارد؛ اما تلاش نادرست برای معادل‌سازی این دو کلمه وقتی به ترجمه (تئین دریا) می‌رسیم، از بین می‌رود. تئین بر اساس یافته‌ها اغلب به عنوان موجودی عظیم ساکن دریا شناخته می‌شود که با نام‌های رهاب و لویاتان نیز برابری دارد (Toom, Becking, Horest, 1999: 834).

عجایب الهند

کتاب عجایب هند مجموعه داستان‌های عجیب و غریبی است که مؤلف آن، یعنی ناخدا بزرگ بن شهریار رامهریزی (سده‌های ۳ و ۴ ه. ق. ۹ و ۱۰ م) آن را مکتوب کرده است. از آنجا که در ادبیات عجایب، داده‌ها و اطلاعات جغرافیایی و جهان‌شناسانه بیشتر رویکردی تخیلی دارد، این کتاب نیز چنان‌که از عنوان آن پیداست، ذکر داستان‌های شگفت‌انگیز و بیشتر تخیلی درباره سفرهای دریایی اقیانوس هند است (رامهریزی، ۱۳۴۸: ۱۲). بیشتر حوادث و مشاهدات شگفت‌انگیز این کتاب در هندوستان، دریا و جزایر هند رخ داده است (حری، ۱۳۹۰: ۱۵۸). در این کتاب که دسترسی ما به نسخه ترجمه فارسی آن است و نه نسخه خطی، نام تئین ذکر و در مورد آن نوشته شده است: «حکایت کرده‌اند که در دریا مارهای عظیم‌الجثه و هولناکی وجود دارد که آن‌ها را تئین می‌نامند. در فصل زمستان هنگامی که ابرهای غلیظ و متراکم، سطح دریا را فرا می‌گیرد این حیوان از اعماق دریا به روی آب آمده و در ابرهای متراکم داخل می‌شود زیرا در زمستان آب دریا گرم است و تئین به واسطه خنکی که در ابر احساس می‌کند در آن جای گرفته و محبوس می‌شود. سپس ابرها بر اثر وزش باد از سطح دریا بلند شده و تئین را با خود به آسمان می‌برند و آن را از این سوی افق به سوی دیگر سیر می‌دهند. پس از آن که ابرها آبی را که در خود دارند فرو ریختند و سبک شدند. به صورت غبار درمی‌آیند و باد آن‌ها را قطعه‌قطعه کرده پراکنده می‌سازد. در این حالت تئین در ابر، خودداری نتواند و ناچار در دریا و یا در خشکی ساقط می‌شود. اگر اراده خداوند به آزار قومی تعلق گیرد آن حیوان خطرناک را به سرزمین آن قوم می‌افکند تا شترها و گاوها و اسب‌ها و سایر احشام آنان را در اندک زمانی ببلعد و مردان را نیز هلاک سازد و همین‌که طعمه حیوان در آن سرزمین نایاب گشت، می‌میرد و یا خداوند او را هلاک می‌کند.»

«بعضی از دریانوردان و مسافران و بازرگانان برای من نقل کرده‌اند که آن‌ها بیش از یک‌دفعه این حیوان را با آن هیکل سیاه و دراز در ابر دیده‌اند که از بالای سر آن‌ها می‌گذشته است. وقتی که ابرها از هم جدا می‌شدند حیوان پایین می‌آمد، همین‌که دم او از ابر خارج می‌شد و در هوا

در متون به عنوان گشاینده چشمه‌ها و نه‌رها توصیف شده که اینجا نیاز به دقت بیشتری است، چراکه رد پای همین روایت را می‌توان در افسانه‌ای یونانی نیز یافت.

علاوه بر این‌ها، افسانه‌ای با نام هیدرا (تصویر ۴)، اژدهای لرن^۱ نشان از موجودی هیولاگونه و مارمانند که زائده‌های سر مار دارد. این اژدها از موجودات عجیب‌الخلقه و فرزند اخدینا^۲ و تیفون^۳ بود و به وسیله هرا پرورش یافت تا در آزمون‌های هراکلس^۴، مورد استفاده قرار گیرد. این اژدها را دارای چندین سر می‌پنداشتند و تعداد آن‌ها را از پنج و شش تا یک صد ذکر کرده‌اند و گاهی این سرها را، سرهای انسانی دانسته‌اند. درست است که تعداد سرها همخوانی ندارد اما خود افسانه شباهت‌های بسیاری را نشان می‌دهد که احتمال اقتباس از آن بسیار است. گفته شده نفس او چنان خطرناک و کشنده بود که هر کس به او نزدیک می‌شد، حتی هنگام خواب، می‌مرد. (روایت ۴۱ کتاب ایوب و روایات جزیره تئین). به علاوه به محصولات و اغنام و احشام آن سرزمین نیز صدمات فراوان می‌زد. اساطیر نویسان این اژدها که سرهای تازه‌ای از بدن او خارج می‌شد را درواقع همان باتلاق‌های لرن می‌دانستند که به وسیله هراکلس خشک شد و مراد از سرهای اژدها چشمه‌هایی بود که مرتباً از زمین می‌جوشید. در تفسیری دیگر لرنوس پادشاه سرزمینی است که شهر آن هیدرا نام داشت. لرنوس توسط ۵۰ کماندار محافظت می‌شد و هرکدام از آن‌ها از پا در می‌آمد دیگری جایگزین او می‌شد و همین موضوع موجب به وجود آمدن افسانه سرهایی که دوباره می‌روییدند، شد؛ اما این تفسیر دوم به نظر چندان مورد قبول نیست (2008:383 Enns, Longman).

تئین در عجایب‌نامه‌های اسلامی

با نگاهی به فرهنگ و ادبیات ملل مختلف، می‌توان نمونه‌های بسیاری از این میل فطری به اساطیر و افسانه‌ها را نشان داد. مسلمانان نیز در این چالش میل به رمز و رازها و کشف ناشناخته‌ها داشته‌اند. آنچه نویسندگان مسلمان در تقابل با دانش سیل گونه یونانی و گزارش‌های شفاهی سیاحان و تجار و دریانوردان در پاسخ به ذات جستجوگر خود گردآوری می‌کنند، منجر به شکل‌گیری کتبی با عنوان عجایب نامه‌ها گشته است. به‌طور کلی، نقش تئین در عجایب‌نامه‌های عصر اسلامی به‌وفور دیده می‌شود. به‌طور اجمالی نقش تئین در نسخی با عناوین عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات (طوسی)، عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات (قزوینی)، عجایب الهند، عجایب الدنيا (ابن ذنبل) دیده شده است. ریشه‌شناسی نام تئین نامشخص است و اغلب به عنوان یک نام خاص یا به عنوان یک اسم رایج به معنای «هیولای دریایی» یا «اژدها» استفاده می‌شود.

برخی از محققان گفته‌اند که Tannin^۱ صرفاً یک شغال

احساس برویت می‌کرد فوراً خود را جمع کرده درون ابر
پنهان می‌شد و از نظر غایب می‌گشت. فتبارک الله احسن
الخالقین (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۳۲). همین حکایت را در
عجایب‌المخلوقات طوسی نیز شاهد هستیم.

عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات طوسی

عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات تألیف محمد
بن محمود بن احمد طوسی، از مهم‌ترین و جامع‌ترین
عجایب‌نامه‌ها در زبان‌های فارسی و عربی است و در نیمه
دوم قرن ششم هجری، بین سال‌های (۵۵۵ و ۵۶۲ هـ/ ۱۲م)
به زبان فارسی تألیف شده است (جعفری قنواتی، ۱۴۰۰).
بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از یک مجموعه شخصی
خریدوفروش آثار هنری قرون وسطی و اسلامی Sam
Fogg^۱ تنها هفت نسخه خطی از این اثر ثبت‌شده است.
سه نسخه از آن در دسترس است که در یک نسخه تنّین
قابل‌شناسایی است. طوسی در این نسخه فارسی (تصویر
۵) که احتمالاً در بغداد، جایی که سلطان احمد تا سال (۷۹۵
هـ/ ۱۴م) سلطنت کرد و تکمیل‌شده، آورده است: «فی قوت
السحاب؛ و بدان که ابر را قوتی باشد که اژدها را از دریا
برکشد و در بیابان‌ها اندازد و تنّین از بیم ابر سر از دریا
بیرون نیارد کرد و مثل سحاب چون سنگ مغناطیسی است
که آهن رباید و سحاب سر تنّین به خود کشد و عمرو
البکای گوید که تنّین اژدهایی باشد متمدن. ماران خورد
و در دریا ماهی خورد و بزرگ می‌شود تا دنبالش یک
فرسنگ درازی دارد و جانوران دریا از دست وی به خدای
تعالی نالند تا ابری بفرستد که او را به خود کشد و به زمین
یأجوج و مأجوج افکند. قوت ایشان از آن بود.» همین روایت
در دو نسخه از عجایب‌المخلوقات قزوینی به زبان ترکی
شرقی نیز ترجمه‌شده است (تصویر ۱۱ و ۱۲).

عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات قزوینی

رساله عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات قزوینی،
تألیف زکریا ابن محمد بن محمود مکونی قزوینی، یکی از
معروف‌ترین عجایب‌نامه‌ها در زبان‌های فارسی و عربی
است. کتاب ابتدا به زبان عربی تألیف و سپس توسط
مؤلف به فارسی برگردانیده شده است. عجایب‌المخلوقات
قزوینی پس از عجایب‌المخلوقات طوسی تألیف شده و
بسیار تحت تأثیر آن نیز بوده است. نه‌تنها، طی قرن‌ها
چندین بار به فارسی و ترکی ترجمه‌شده، بلکه منبع الهام
برای نقاشی مینیاتور بوده است. در این مطالعه بالغ بر
۳۰ نسخه مصور از عجایب‌المخلوقات قزوینی گردآوری
و بررسی‌شده است. درباره نگارگری و تصویرسازی
این نسخ، تفاوت‌ها و شباهت‌های زیادی وجود دارد.
گاه به دلیل خلاصه بودن و یا ایجاد تغییرات در حین
ترجمه، دستخوش کم‌وزیاد شدن مطالب و یا تغییر
چیدمان فهرست‌وار مطالب شده است. گاه به دلیل از بین
رفتن برخی صفحات و یا نیمه‌تمام ماندن اجرای نسخه،
نواقص یا تفاوت‌هایی وجود دارد. سبک نگارگری‌ها نیز با
زبان ترجمه دارای تفاوت‌هایی است که به‌وضوح نشانگر
اقلیم شکل‌گیری اثر است. برای مثال نمونه‌های ترکی،
عربی و هندی کاملاً قابل‌تمایز هستند. در هر نسخه از
عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات قزوینی نقش تنّین
اغلب به سه شکل دیده می‌شود. گاه در برخی موارد به
دلیل دخل و تصرف مترجم و یا گم‌شدن برگه‌ها، یک یا
دو مورد از آن وجود دارد؛ اما به‌طورکلی نقش تنّین در
عجایب‌المخلوقات قزوینی به سه صورت مجزا مطرح‌شده
است: ۱. صورت فلکی (کوکب التنّین)، ۲. جزیره تنّین و
۳. تنّین.

۱. کوکب التنّین

نسخه مونیخ، یکی از سه نسخه مطرح عجایب‌المخلوقات



تصویر ۷. کوکب التنّین، عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات
(AD ۱۵۴۷)، زبان: فارسی، مأخذ: <http://www.qdl.qa>



تصویر ۶. کوکب التنّین، عجایب‌المخلوقات، نسخه مونیخ، (AD ۱۲۵۸)
زبان: عربی، مأخذ: <http://www.digitale-sammlungen.de>

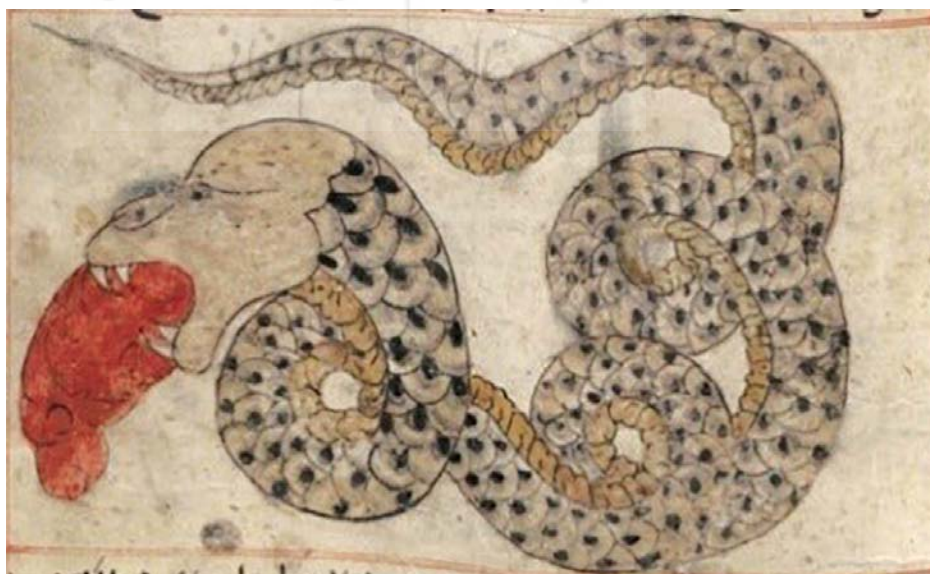


تصویر ۸. کوکب التنین، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات (1492-1562AD)، زبان: ترکی شرقی، مأخذ: <https://digital.bodleian.ox.ac.uk>

قزوینی است و اعتقاد بر این است که این نسخه در زمان حیات قزوینی نوشته و مصور شده است. احتمالاً در واسط تکمیل شده است، جایی که به نظر می‌رسد قزوینی پس از سقوط بغداد به دست مغول‌ها در سال (۶۵۶/۱۲۵۸م) بازنشسته شده است (Badiee, 1981: 97). این نسخه نیز مانند سایر نسخ شامل سه شکل از تنین است که کوکب

التنین اولین آن است.

اطلاعات امروزی حاکی از این است که صورت فلکی تنین در مجاورت صورت‌های فلکی دب اکبر، دب اصغر، قیفاووس قرار گرفته و به صورت ماری بزرگ، گرداگرد قطب شمالی دایره البروج تصور شده است. بنا بر اسطوره‌های کشورهای مختلف مشرق زمین، به هنگام



تصویر ۹- کوکب التنین، نسخه صور الكواکب (۱۷۰۱-۱۸۰۰ م) مأخذ: <https://gallica.bnf.fr>



تصویر ۱۰. جزیره تنّین، عجایب المخلوقات (۱۲۵۸ م) (نسخه مونیخ)،
زبان: عرب، مأخذ: <https://www.digitale-sammlungen.de>

خورشیدگرفتگی یا ماه گرفتگی، خورشید یا ماه به کام
اژدهای فلکی می‌رود.

در گذشته، مردم ایران هنگام خورشیدگرفتگی یا ماه‌گرفتگی
بر بام خانه‌ها روی طشت می‌کوبیدند تا اژدها، خورشید
یا ماه را آزاد کند. در اسطوره‌های یونان باستان، میان
اژدهای فرضی فلکی و صورت فلکی تنّین ارتباطی وجود
ندارد. احتمالاً در تمدن‌های پیش از یونان، مانند تمدن بابل،
این دو اژدها به‌نوعی با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. شاید
بابلی‌ها صورت فلکی تنّین را به این دلیل ابداع کرده‌اند که
نماینده اژدهای گرفتگی‌ها باشد. در میان اعراب، شاعران
و منجمان ایرانی، این اژدهای فلکی و صورت فلکی اژدها،
هر دو، تنّین نامیده شده‌اند. در ادبیات فارسی، اژدهای فلکی
و صورت فلکی اژدها یا تنّین با تعبیری همچون اژدهای
چرخ، اژدهای گردون یا اژدهای سپهر نیز به‌کاررفته است
(حداد عادل، ۱۳۷۵: ۳۹۷۶). در سایر نسخه‌های ترجمه
فارسی و ترکی نیز شاهد این صورت فلکی به شکل مار
هستیم (تصویر ۶ و ۷ و ۸). وجه مشترک همه نمونه‌ها در
مورد آنچه به‌عنوان صورت فلکی ذکر می‌شود به‌صورت
اژدهایی است که دمی باریک دارد اما گاهی با دست و
گاهی بدون دست ترسیم‌شده است. صورت فلکی تنّین در
صورالکواکب عبدالرحمان صوفی نیز آمده است (تصویر
۹). این اثر یک عجایب‌نامه نیست اما به‌عنوان مرجعی از
ستاره‌شناسی اسلامی که ابوالحسن عبدالرحمان بن‌عمر
بن‌محمد بن‌سهل صوفی رازی (۳۷۶ و ۲۹۱ هجری)، استاد
ریاضی و ستاره‌شناس در آن به تشریح یافته‌های پیشین
یونانیان در علم نجوم و ترجمه آثار آن‌ها به زبان عربی
پرداخته بوده است (محمدزاده، قهاری، ۱۳۸۹: ۶).

۲. جزیره تنّین

جزیره تنّین در نسخه مونیخ موجودی مار مانند ولی با
دندان‌های بزرگ و بدنی فلس دار مثل ماهی، در حال بلعیدن
گاو داستان رسم شده است (تصویر ۱۰). روایت جزیره
تنّین از این قرار است که: «از آن جمله جزیره ایست و آن
را جزیره مار خوانند. به‌غایت بزرگ و فراوان و معمور
است و حصارها و عمارت‌ها و شهرها بسیار در این
جزیره است و در این جزیره کوه‌ها و درخت‌هاست و عالی
است. حصارهای این جزیره با برج‌های بلند بزرگ است و
آورده‌اند که در این جزیره پیداشده ماری بزرگ که هلاک
می‌ساخت مواشی، یعنی گاو و گوسفند و شتر و اسب و
گاو میش اهل این جزیره را از آن هرکدام آدمی آن ملک که
دیده فرو برده بود. چون اسکندر نوالقرنین به این محل
رسید اهل این جزیره نزد او شکایت بردند و گفتند که این
مار هلاک می‌گرداند مواشی ما را بلکه هرروزه از برای او
دو گاو وظیفه را مقرر داشته‌ایم که می‌بریم نزدیک موضع
او، پس قبول می‌کند آن را تنّین یعنی مار. همچو ابری سیاه
هر دو چشم او می‌درخشد همچون برقی جهنده و آتش

بیرون می‌آید از دهان او پس فرو می‌برد گاو و می‌گردد به
موضع و اگر دو گاو نیاید قصد عمارت و شهرها می‌کند و
تلف می‌کند از حیوان و آدمی را. آنچه حق‌تعالی خواسته
باشد و این شهر از آن این متر شده و محصول او خرج
بهای دو گاو است و گاو کم باشد در این شهر زیرا که همه
او خورده است. چون نوالقرنین این سخن بشنید امر فرمود
به آن‌که حاضر کنند دو گاو. پس فرمود که پوستش کنند
و پر کرد پوست او را و آن گاو دگر را و چون نه (۹) وزرنیخ
و در این اخلاط پر کرد در میان‌شان قلاب‌ها و آهن و همه
را مرتب کرد و هر دو گاو را در موضع فرمود که نهانند.
پس آن مار بیرون آمد و هر دو گاو را فرو برد و شکل او
نیست به‌رسم ... و عادتی که داشت و رفت برجای خود
پس شعله کشید آتش در شکم او. قلاب‌ها به دل او معلق
شد. پس نیامد روز دیگر و تأخیر شدن آمدن او را پس



تصویر ۱۲. عجایب المخلوقات قزوینی (۱۶۶۰ م)، زبان: فارسی، مأخذ: Sankaya, 2019



تصویر ۱۱. عجایب المخلوقات قزوینی (۱۷۶۲-۱۷۶۳ م)، زبان: عربی، مأخذ: <https://gallica.bnf.fr>



تصویر ۱۴. عجایب المخلوقات قزوینی (۱۲۰۳-۱۲۸۳ م)، زبان: ترکی، مأخذ: <http://www.thewalters.org>



تصویر ۱۳. عجایب المخلوقات قزوینی (۱۷۰۰ م)، زبان: ترکی، مأخذ: Staatsbibliothek zu Berlin



تصویر ۱۶. عجایب المخلوقات قزوینی (۱۴۹۲-۱۵۶۲ م)، زبان: ترکی
شرقی، مأخذ: <https://rosettaapp.getty.edu>



تصویر ۱۵. عجایب المخلوقات قزوینی (۱۴۹۲-۱۵۶۲ م)، زبان: ترکی
شرقی، مأخذ: <https://rosettaapp.getty.edu/delivery>

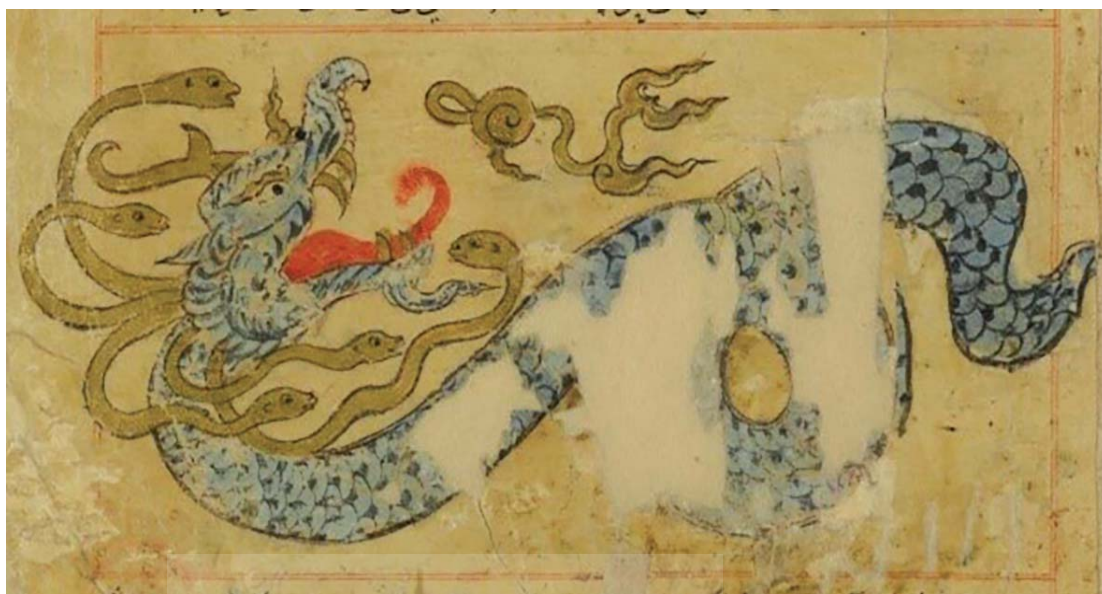
چشم‌های او همچون برق درخشانده و دهن او فراخ بود. به‌غایت چنان‌که گاو فرو برد و حیوانات آب جمله از وی ترسند؛ زیرا که هر حیوانی که یابد فرو برد و چون شکم او پر شود خود را از میان آب برآرد و بر شکل قوس و قزح تا حرارت آفتاب بر وی تابد و پخته شود.»

در نسخه‌ای دیگر کمی مفصل‌تر آمده: «حیوانی هایل است عظیم خلقت، طویل جثه، عریض منظری هایل دارد و سری بزرگ و چشم‌های براق و دهن فراخ و شکم وسیع. هرچه یابد فروبرد. حیوانات آب جمله از وی ترسند و بگریزند. چون حرکت کند بحر در اضطراب آید و چون شکم او پر شود خود را از میان آب بردارد بر شکل قوس و قزح تا حرارت آفتاب در وی اثر کند پخته شود. بقراطیس حکیم گوید که مرا مسکن در بعضی از سواحل بود. در آن بلاد وبا پیدا شد و زیاده می‌گشت تا آخر الامر معلوم شد که تنّین را سحاب از بحر برآورده است و در بیست فرسنگی از آن بلاد افتاده بود و تن او هوا را به فساد آورده و سبب وبا گشته. مال بسیار از آن بلاد جمع کردند و بدان نمک خریدند و بر آن تنّین ریختند. آن وبا کم شد و چون قصد او کردند، درازی او را مقدار دو فرسخ یافتند و لون او چون لون پلنگ بود و بروی فلوسن بود چنان‌که بر سمکه باشد و دو جناح عظیم داشته چنان‌که بر سمک باشد و سر او چند تلی عظیم بود بر شکل سر مردم و دو گوش دراز داشت بر شکل دو گوش انسان و دو چشم فراخ مدور هر یک چون حوضی بزرگ و از گردن او ثعبان بیرون آمده بود و هریک به‌قدر

مردم رفتند بر اثر او تا بدانند حال او را، پس دیدند که مرده بود. شادمان شدند به مرگ آن ملعون و به خدمت اسکندر هدیه‌ها و تحفه‌ها بردند و از جمله هدیه‌ها که به اسکندر برده‌اند جانوری بود مثل خرگوش که رنگ او زرد بود.»

۳. تنّین

آخرین مورد مطرح‌شده با نام تنّین توصیف موجودی با این نام و ویژگی‌های ظاهری اوست. این موجود در تمام موارد با زائده‌هایی مار مانند که از سر مرکزی او بیرون آمده‌اند، تصویر شده؛ اما نکته اینجاست که در برخی موارد سر رأسی این موجود به‌صورت اژدها (تصویر ۱۲) و در برخی به‌صورت سر انسان (تصویر ۱۱، ۱۳، ۱۴) ترسیم‌شده است. در نوشتار نسخه‌های ترجمه فارسی عجایب المخلوقات قزوینی اشاره‌ای به این مورد نشده است؛ چراکه آمده: «و را به فارسی اژدها گویند. حیوانی است که خلقتی عظیم دارد و منظری هایل و طول و عرض بسیار.



تصویر ۱۷. عجایب المخلوقات نسخه لندن (۱۳۰۰ م) زبان: عربی مأخذ: <http://www.qdl.qa>

(سر انسان، گوش‌های بلند، چشمان گرد، بسیار بزرگ) اشاره مستقیم به سر انسان و گردن‌های درازی از مار، شده است. (ک در عربی = چنانچه، به‌طوری‌که همچنان که مانند، مثل) (کراس انسان = مانند سر انسان)

۲. عینین مدورترین کبیر جدا
مدورترین = (تین) مثنی مؤنث

اشاره به جنسیت موجود در این شناسه مشخص است و بدین‌صورت تصاویری که در نسخه‌های دیگر با سر انسانی زن ترسیم‌شده، توجیه‌پذیر است.

اینکه چرا تصویرگر به‌رغم متن، به شکل دیگری این ترسیم را انجام داده، نامشخص است. در مورد ترجمه‌های فارسی به دلیل ترجمه مستقیم کلمه تنین به اژدها، استفاده تصویر اژدها قابل‌درک است اما در مورد متن عربی مجهول است. نکته‌ای در این میان وجود دارد و اینکه در داستان مطرح‌شده از داستان اسکندر به هیچ ویژگی جنسیتی و یا ظاهر انسانی اشاره نشده؛ اما در نسخه مونیخ این موارد لحاظ شده است. به‌طور کلی، مار نماد زاینده‌گی و چرخه حیات است. شاید علت نسبت دادن جنس مؤنث به آن زنانگی یعنی زاینده‌گی باشد. این نقوش از یک‌طرف به‌مانند نشانه‌های تصویری هستند و از طرف دیگر به دلیل ماهیت روایی خود، متونی هستند که به نظر برگرفته از متون دیگرند.

مجموعه مطالعات و بررسی‌ها در این مرحله گواه شباهت‌ها و ریشه‌ای مشترک از تلقی این موجود با هفت سر است که در جدول ۱، به‌صورت یکپارچه قابل‌ملاحظه است.

بینامتنیت تا ترامتنیت

بینامتنیت و ترامتنیت نظریه‌هایی هستند برای بیان وجود

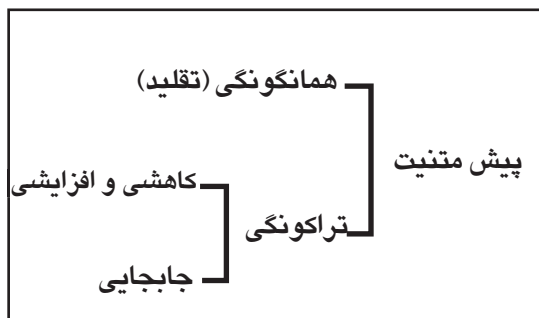
بسیار گز و سر آن چون سر شعبانی باشد و شخصی گوید که در مجلس عمرالبکالی بودم سخن تنین می‌رفت. گفت می‌دانید که آن چگونه متولد شود. گفتیم نه. گفت اول حیه باشد متمرّد در برّ از حیوانات برّی خورد تا آن‌که که عظیم شود.»

در نسخه لندن که جزو سه نسخه اصلی ما برای اتکا به متن آن است تنین با صورت اژدها ترسیم‌شده است (تصویر ۱۷) اما در بررسی متن این تصویر نتیجه متفاوت است.

متن عربی نسخه لندن بدین شرح است: «حیوان عظیم الخلقه، هایل المنظر، طویل الجثّه. عرنصها کبیر الرأس، براق العینین، واسع ... والجوف کثیر الاسنان یبلغ من حیوانات البرّ والبحر. اذا یتحرك تموج البحر لشده قوته. قال عمر البکالی تکنون التنین اولاً حیه متمرّده یاکل مایری من دواب البرّ فاذا عظم فسادها یبعث الله تعالی ملکا تحمّلها و تلقیها فی الهی فیفعل بدواب البحر ما کان یفعله بدواب البحر ما کان یفعله بدواب البرّ فیعظم جسمها فیبعث الله ملکا تحمّلها و یلقیها الی یاجوج و ماجوج و روی عن بعضهم انه رای تنیناً تساقط فوجه طوياً... نحو الفرسخین و لونه مثل لون النمر مفلسا کفلوس السمک و جناحین عظیمین علی هیئۃ احسنجه السمک و راسها مثل التلّ العظیم. کراس الانسان واذنین مفرطی الطول و عینین مدورّتین کبیر جدا و تشعب من عنقه سته اعناق طول کل عنق نحو عشرون ذراعاً علی کل عنق راس کراس الحیه.»

دو نکته در این متن حائز اهمیت است:

۱. کراس الانسان واذنین مفرطی الطول و عینین مدورّتین کبیر جدا



نمودار ۱. دسته‌بندی پیش‌متنیت، مأخذ: نگارندگان.

ارتباط باریک بین هر آنچه وجود می‌یابد در هر آنچه از پیش وجود داشته است. نظریه ترامنتیت رویکردی است برای خوانش متون تصویری و پیگیری روابط درهم‌تنیده شبکه‌ها و دلالت‌مندی‌های متنی بین یک یا چند متون با فواصل زمانی و شکل‌های بازمانی متفاوت. بینامتنیت به توضیح این مطلب می‌پردازد که هیچ گفته‌ای نیست مگر اینکه از گفته دیگر برگرفته باشد و هیچ قولی نیست مگر اینکه خود نقل‌قول دیگری باشد. هیچ نقشی خلق نمی‌شود، مگر اینکه آیینی‌ای برای بازتاب نقش‌های دیگر باشد (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

مفهوم بینامتنیت تنها در حوزه ادبی کاربرد نداشته و دامنه استفاده آن در سایر هنرها مشهود و ملموس است. بینامتنیت، نظریه‌ای است که به خوانش یک متن یا یک اثر هنری در راستای متون دیگر می‌پردازد و با این روش تأثیری را که متن‌های جدید در خلق آثار جدید می‌گذارند، موردتوجه قرار می‌دهد (گراهام، ۱۳۸۰: ۲۵). هر اثر هنری با ارجاع به بخشی از یک یا چند اثر دیگر شکل می‌گیرد و متون بر پایه متن‌های گذشته شکل می‌یابند. بینامتنیت دارای لایه‌ای از متون است که معمولاً معنای رویه‌ای آن توسط مخاطب عام درک می‌شود و لایه‌های دیگر نیاز به تأمل بیشتری به‌منظور ادراک دارند (رحیمی اتانی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). بینامتنیت همه حوزه‌های هنری از جمله سینما، نقاشی، معماری، عکاسی و غیره را در برمی‌گیرد (رضایی دشت ارژنه، ۱۳۹۵: ۱۶۸).

پس از نظریه بینامتنیت کریستوا، ژنت این مقوله را با عنوان کلی ترامنتیت گسترش داد. ترامنتیت ژرار ژنت روی روابط ساختاری دو متن متمرکز می‌شود. هرگاه عنصری در دو متن وجود داشته باشد، موجب برقراری رابطه بینامتنیت می‌شود. با حضور یک عنصر مشترک، روابط تأثیرگذاری یا توارد ایجاد می‌شود (کاظم پور، ۱۴۰۰: ۱۲۱). ژنت این روابط را به پنج دسته بزرگ، یعنی ۱. بینامتنیت ۲. پیرامنتیت ۳. فرامنتیت ۴. سرمنتیت، ۵. بیش‌متنیت تقسیم می‌کند.

۱. بینامتنیت ژنتی دارای ابعاد محدودتری است. رابطه میان دو متن بر اساس هم‌حضور است. به عبارت دیگر، هرگاه بخشی از یک متن در متن دیگری حضور داشته باشد، رابطه میان این دو، رابطه بینامنتی محسوب می‌شود.

۲. هیچ متنی بدون پوشش وجود ندارد یا چنان‌که ژنت می‌گوید، به‌ندرت یک متن به‌طور عریان وجود دارد و همواره در پوششی از متن، واژه‌هایی است که آن را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در برگرفته‌اند. این متن‌هایی که همانند ماهواره متن اصلی را در بر می‌گیرند، پیرامتن نامیده می‌شوند.

۳. مقصود از فرامنتیت، متنی است که در رابطه با متن دیگر توضیح می‌دهد؛ فرامنتیت بر اساس روابط تفسیری و تأویلی بنا شده است.

۴. ژنت روابط طولی میان یک اثر و گونه‌ای را که اثر به آن تعلق دارد، سرمنتیت می‌نامد. منظور از سرمنتیت بررسی رابطه متن با گونه یا سبکی است که به آن تعلق دارد. ۵. مقصود از رابطه بیش‌متنی این است که متنی هنری یا ادبی بر اساس متنی پیشین استوار شده باشد و این انسجام طوری باشد که بدون متن دومی، متن اولی هم کامل نباشد. بیش‌متنیت نیز همانند بینامتنیت، رابطه میان دو متن ادبی یا هنری را بررسی می‌کند، اما این رابطه در بیش‌متنیت برخلاف بینامتنیت، نه بر اساس هم‌حضور که بر اساس برگرفتنی بنا شده است. به عبارت دیگر، در بیش‌متنیت تأثیر یک متن بر متن دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد و نه حضور آن. اگر در بینامتنیت اغلب حضور بخشی موردتوجه است، در بیش‌متنیت تأثیر کلی و الهام بخشی کلی موردنظر است (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۵ تا ۹۶).

بیش‌متن (هایپر تکس) متنی است که از یک متن پیشین (پیش‌متن) در جریان یک فرایند دگرگون‌کننده ناشی شده باشد. به بیان دیگر، حضور یک متن در شکل‌گیری متن دیگر، به گونه‌ای که بدون این حضور، خلق متن دوم غیرممکن باشد، بیش‌متنیت می‌نامند. هر متن نوین یعنی بیش‌متن بر اساس یک متن یا چند متن گذشته یعنی پیش‌متن استوار شده است؛ بنابراین، روابط میان بیش‌متن و پیش‌متن به دو دسته کلی قابل تقسیم است: الف. همان‌گونگی (تقلید) و ب. تراکونگی (دگرگونی و تغییر) (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۶)، (نمودار ۱).

آنچه در طول تاریخ بر سر اسطوره می‌آید و کارکرد و باورمندی را در دوره زمانی دیگر از بین می‌برد و عناصر به‌جامانده از آن به افسانه‌ای مبدل می‌گردد، می‌تواند نوعی تراکونگی باشد. در تراکونگی، بیش‌متنیت با تغییر و دگرگونی ایجاد می‌شود. تغییر و دگرگونی می‌تواند دارای انواعی باشد؛ یعنی تغییر یک متن برای ایجاد و خلق متن دیگر می‌تواند به اشکال گوناگون میسر شود. این تراکونگی همچنین می‌تواند از منظرهای متفاوت و با ملاک‌های گوناگونی نگریسته شود (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۶). تغییر بیش‌متن ممکن است اندک یا بسیار باشد. بر این اساس

جدول ۱. ویژگی موجودات هیبریدی مورد مطالعه در پژوهش (پیکره مطالعاتی) مأخذ: نگارندگان.

نام	ویژگی‌های اژدهایان (پیکره مطالعاتی)		تصویر
	بصری	روایی	
تَبین	• موجودی هیبریدی، با بدن مار مانند، با شش سر مارمانند و یک سر که در ترسیم آن اختلاف وجود دارد. به دو صورت: یا انسان یا اژدها • چشمانی درشت و خون‌آلود • از دهان اژدها بخاری خارج می‌شود. • انسان توان مقابله با او ندارد • اژدها در حال بلعیدن یک گاو و انسان • اژدها در محاصره ابرها • محل ترسیم آن: آسمان، زمین، دریا	• اژدهایی که در جزیره مار در دریا ساکن است و زندگی مردم جزیره را تیره‌وتار کرده و اسکندر او را هلاک می‌کند. • اژدهایی که رد آسمان ۳۱ ستاره دارد و خورشید و ماه را زندانی کرده است. • اژدهایی که چون موجودات دیگر از او در امان نبودند خداوند او را به آسمان‌ها کشید و کشت و لاشه آن در دوردست‌ها بر دریا انداخت و از جسد او وبا پیدا شد. • چشمانی درشت و خون‌آلود و نفس او کشنده است. • سر راسی انسانی (مؤنث) دارد.	
رهاب	بدون تصویر	• مار تیزرو • مخلوقات بزرگ • محل: دریا • ماری تیزرو که منشأ آشوب و بی‌نظمی است به دست خداوند تکه‌تکه می‌شود.	بدون تصویر
لویاتان	• اژدهای مارمانند • محل: دریا • طوفان و بی‌نظمی	• اژدهایی مارمانند در دریا • ماری تیز و پیچیده • دارای چشمانی درخشان • آتش بیرون می‌دهد و دود تنفس می‌کند • انسان توان مقابله با او ندارد • تعداد سر بیشتر از یک است؛ اما عدد مشخصی ذکر نشده. • موجودی عجیب‌الخلقه که انسان عادی حتی ایوب نبی توان مقابله با این موجود را ندارد و خدا سرهای او را له می‌کند و می‌شکند و تکه‌های او را غذای موجودات دیگر می‌کند! • با مرگ این موجود توسط خدا رودها جاری می‌شود!	
هیدرا	• اژدهایی با چهار دست و پا • تعداد زیادی سر مارمانند • محل: زمین • در حال جنگ با چندین انسان • برخی سرها بریده شده‌اند	• موجودی هیولاگونه و مارمانند که زائده‌های سر مار دارد. • بین پنج تا صد سر دارد. • به اغنام و احشام آن منطقه آسیب می‌زد. • هرکس حتی در خواب به او نزدیک می‌شد، از نفس او می‌مرد. • اژدها یک سر جاویدان دارد که هر بار قطع شود دوباره می‌روید مگر به روشی خاص قطع شود. • هراکلس اژدها را می‌کشد. • اژدها با سرهای بی‌شمار نماد رودهای لرن است که به وسیله هراکلس خشک می‌شوند.	

	● در تقویم کشاورزی، سومری ماه اول از هفت ماه تابستان، فصل برداشت غلات است و بر کلاه خدای مبارز با اژدها، دانه گندم وجود دارد که نشانه‌ای از شکست یک سر اژدهای گرماست. ● اشعه خورشید نشانه گرما و مار نماد گرمای خورشید است.	● اژدهایی با چهار دست و پا و هفت سر ● در حال جنگ با یک انسان ● یک انسان زانو زده در مقابل اژدها، داس در دست و دانه‌ای بر کلاه دارد. ● یک سر اژدها کشته شده ● پشت اژدها اشعه خورشید ● محل: زمین	نینورتا
	● هفت سر اژدهای تابستان مربوط به هفت ماه تابستان شام و بین‌النهرین هستند ● یام در تابستان توسط برادرش موت همه چیز را تبدیل به صحرا می‌کند. به همین دلیل است که بعل، خدای طوفان و خنکی و پراپی با یام، خدای گرما و خشکی سال می‌جنگد. ● توسط دو قهرمان با ضربه‌ای به پشت و پس از ضربه نهایی به سر، کشته می‌شود. این دو قهرمان بعل است.	● اژدهایی با چهار دست و پا و هفت سر مارمانند ● چهار سر کشته شده و سه سر در حال مبارزه با دو انسان ● اشعه خورشید پشت سر اژدها	یام

به مرحله بعد رفت. با در نظر گرفتن دوبه‌دو نمونه‌های مطالعاتی با ثابت در نظر گرفتن تنّین، می‌توان نتیجه گرفت که هم از نظر تصویری و هم از نظر اسطوره و روایت، تنّین اشتقاقی از سایرین است. تصویر تنّین هفت سر در نسخ عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات (تصویر ۱۴ تا ۱۱) اشتقاقی است هم تصویری و هم مفهومی از اژدهای هفت سر. تصویر روی لوحه گلی برگرفته از اسطوره یام و بعل بین‌النهرین (تصویر ۱). در جدول ۱، تمام اجزای مطرح و قابل توجه، هرکدام به‌طور جداگانه تلخیص و تفکیک شده‌اند و ریشه مشترک همه این موجودات، شرارت و بی‌نظمی در جهان و جلوه‌ای از آب و حیات و بقا است.

۲. تحلیل پیکره مطالعاتی

عناصر درون‌متنی: هر تصویر یا نقش اژدهای هفت سر، دو جنبه روایی - اسطوره‌ای و تصویری را در بر می‌گیرد. از جنبه روایی - اسطوره‌ای، هیچ قدرتی به‌غیر از قدرت خداوند زمان یا بندگان موردعنایت او، توانایی شکست اژدهای شرور را ندارند و این اژدها همواره مانعی برای زندگی مردم عادی است و به‌صورت ویژه با آب به‌عنوان عامل تداوم حیات در ارتباط است. بر آب غلبه دارد (یام و بعل)؛ چشمه‌های خودجوش و پایان‌ناپذیر شهر لرن است

می‌توان انواع تراکونگی را از هم متمایز کرد. تراکونگی را از دو دیدگاه کمی و محتوایی تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ از دیدگاه کمی به کاهشی و افزایشی و از دیدگاه محتوایی به جابجایی (جانشینی). می‌توان گفت این دگرگونی‌ها گاهی با کاهش و یا افزایش لفظ و مضمون در متن همراه است و یا گاهی متن «ب» همان عناصر متن «الف» را به شیوه‌ای نوین و دگرشده نشان می‌دهد که از آن به دگرگونی از گونه جابجایی یاد می‌شود. برخی از جابجایی‌ها عبارت است از: ترجمه، تبدیل نثر به شعر، تبدیل شعر به نثر، تغییر وزن، تغییرات سبک، تغییر مکان، تغییر شخصیت، تغییر زمان، تغییر لفظ، تغییر نوع جمله و غیره (پیرحیاتی، ۱۴۰۰: ۱۰۱).

خوانش ترامنتی نقش اژدهای هفت سر دریا

با شرح ماهیت کلی تصاویر و اسطوره‌های همراه تصاویر می‌توان ارتباطات بین آن‌ها را از دیدگاه ترامنتیت ژرار ژنت در چهار مرحله مجزا تشریح کرد.

۱. بررسی روابط بیش‌متنی پیکره مطالعاتی

برای بررسی بیش‌متنیت پیکره مطالعاتی ابتدا باید در نظر گرفت که متن دوم اشتقاقی از متن اول است یا خیر. تنها در صورت صحت این رابطه در پیکربندی می‌توان

نمودار ۲. نمودار الگوی پیشنهادی خوانش بیش متنی ارتباط تصاویر اسطوره‌ای کهن مبتنی بر نظریه ژنت، مأخذ: نگارندگان، برگرفته از نمودار شش مرحله‌ای خوانش متون تصویری (نامور مطلق، بهمن، ۱۴۰۱: ۲۴).



- جاری شدن رودها بعد از کشته شدن لویاتان.
- تعداد سرها در هیدرا به پنج کاهش یافته است.
- مارگونه بودن تعداد سرهای متعدد، ذکر نشده است.

۱-۱ جابه‌جایی:

هیدرا اژدهای مانع آب‌ها نیست. جابه‌جایی اتفاق افتاده و هیدرا خود نماد رودها و چشمه‌های خودجوش لرن است. تمام این موارد به‌صورت طبقه‌بندی‌شده در جدول ۲، قابل‌مشاهده است. گفتنی است که ترتیب موجود بر اساس قدمت تاریخی از یام به تئین چیده شده اما این افزودگی و کاهش‌ها رفت و برگشتی قابل‌مقایسه و خوانش‌اند. از یام به تئین و از تئین به یام.

۴. تبیین دلالت‌های اسطوره‌ای و معنایی

همان‌طور که در لوحه‌های گلی بین‌النهرین دیده شد (تصویر ۱ و ۲)، هفت سر اژدها بر اساس هفت ماه، نشان تابستان و گرمای طاقت‌فرسای شام و بین‌النهرین تا زمان رها شدن آب و باران با مرگ اژدهاست. ماه پایانی آن نیز حیاتی‌ترین و سخت‌ترین مرحله این رهایی است که نسبت مشخصی با شش سر مارگونه و یک سر متمایز (انسان یا اژدهای) تئین دارد و همچنین با راس جاودانه هیدرا که فقط به یک روش دشوار از تن موجود جدا می‌شود. حضور و یا عدم حضور اژدها همواره ارتباط با بقا و آب و حیات دارد. تعداد سرهای اژدها از یام هفت عددی با تغییرات مکرر، مجدداً در تئین به هفت رسیده است. طوفان‌های دریایی پس از تابستان نیز ارتباط مؤثر این موجود با دریا را توجیه می‌کند.

(هیدرا): از جنبه تصویری، موجودی هیبریدی و فراواقعی و همواره مطرح است. بدن فلس دار مشخصه‌ای که گاهی به‌صورت تماماً مارمانند و یا برحسب باورهای مردمان پیشین اژدهایی فلس دار با چهار دست و پا است. سر او در هر حالت چشمانی درشت و خون‌آلود و خیره‌کننده دارد.

۳. تشریح روابط بیش‌متنی

پس از تأیید وجود اشتقاق دوبه‌دو بین نمونه‌ها، برای جایگیری صحیح آن‌ها در دسته‌بندی تراکونگی بیش‌متنت، باید سه گزاره را بررسی کرد: افزوده شده‌ها، کاهش یافته‌ها و جابه‌جایی‌هایی که عوامل مختلفی از جمله گذر زمان و فرهنگ اجتماع موجب آن‌ها شده‌اند. این‌که:

۱-۱ افزودگی‌ها:

- یک سر جاودانه در هیدرا که پیش‌تر وجود نداشته است.
- هیدرا به‌جای هفت سر گاهی تا ۱۰۰ سر را به خود اختصاص داده است (تصویر ۴).
- تئین گاهی یک سر انسانی دارد که در متن اول (تصویر ۱ و ۲) وجود ندارد. این سر انسانی مشخصاً جنسیت زنانه گرفته است.
- قربانی گرفتن گاو توسط تئین برای سیر شدن.

۱-۲ کاهش‌ها:

- حذف دست و پای اژدهای متون اولیه در برخی موارد از تصویر لویاتان و تئین.
- حذف زائده‌های سرمانند مار در برخی موارد از تصویر تئین.

جدول ۲. شرح روابط بیش‌متنی اژدهایان هفت سر. مأخذ: همان.

نام	تحلیل نمونه‌ها	شرح روابط بیش‌متنی اژدهای هفت سر		
		افزودگی‌ها	کاهش‌ها	جابه‌جایی
یام	• موجودی هیبریدی با هفت سر مارگونه نماد تابستان گرم و هفت ماه گرماست. • بعل، خدای آب و بارندگی و طوفان، یام را شکست می‌دهد. • بر آب‌ها نگهبانی می‌دهد و مانع آن‌هاست. • گرفتن جان موجودات.	دست‌وپا	بدن مارگونه یک سر راسی	_____
نینورتا	• موجودی هیبریدی که با هفت سر مارگونه نماد تابستان گرم و هفت ماه گرماست. • نینورتا خدای قهرمان سومری (خداوندگاری محافظ صلح، موکل بر خرمن و کشاورزی) او را می‌کشد. • مانع رشد و پرآبی و حیات طبیعت است. • گرفتن جان موجودات.	دست‌وپا	بدن مارگونه یک سر راسی	_____
هیدرا	• موجودی هیبریدی که نماد رودهای خودجوش و متعدد لرن است. • هراکلس (بزرگ‌ترین پهلوان اسطوره‌ای یونان و روم باستان) او را می‌کشد و رودها می‌خشکند. • گرفتن جان موجودات.	یک سر جاودانه تعداد سرها (۵) تا (۱۰۰)	تعداد سرها (۵) تا (۱۰۰)	با کشته شدن رودها می‌خشکند. این موجود برعکس، خود نماد رودهاست نه مانع جاری شدن رودها.
لویاتان	• موجودی هیبریدی که آشوب و بی‌نظمی در دریا را رقم می‌زند. • به ابتدای خلقت اشاره دارد. • با شکست این موجود رودها و برکه‌ها آزاد می‌شوند. • توسط خدا کشته می‌شود. • گرفتن جان موجودات.	رودها و برکه‌ها جاری می‌گردد	تعداد سرها مارگونه سرهای متعدّدش بودن	_____

جدول ۲.

_____	سرهای مارگونه دستوپا	_____	• موجودی هیبریدی که آشوب و بی‌نظمی در دریاها را رقم می‌زند. • به ابتدای خلقت اشاره دارد. • توسط خدا کشته می‌شود. • گرفتن جان موجودات.	رهاب
_____	دستوپا	سر راسی (اژدها یا انسان) قربانی گرفتن گاو برای سیر شدن زندانی کردن ماه و خورشید و نگهداری بر آنها	• موجودی هیبریدی که نماد شرارت و ایجاد ناآرامی و بی‌نظمی در بین مردمان است. • موجودی عجیب‌الخلق و فراتر از قوای انسانی. • در دریا زندگی می‌کند. • توسط ذوالقرنین زمان کشته می‌شود.	تنین

نتیجه

اسطوره‌ها طی نسل‌ها و یا برحسب مناطق مختلف منتقل نمی‌شوند، بلکه این عناصر اسطوره‌ای هستند که بر اساس نظریه تراگونگی از بیش‌متنیت ژرار ژنت، دچار افزودگی، کاهش و یا جابه‌جایی می‌شوند و به حیات خود ادامه می‌دهند. این مقاله با تمرکز بر یکی از نظریه‌های ترامتنیت (بیش‌متنیت)، به بررسی تصویری نقش اژدهای هفت سر دریا و اسطوره‌های کهن مرتبط با آن می‌پردازد. وجه تشابه هیدرا، یام و بعل، نینورتا، لویاتان، رهاب و تنین علاوه بر ویژگی ظاهری مارگونه، ارتباط آن‌ها با آب‌ها و چرخه حیات است که در صورت کشته شدن توسط خدای هر روایت، نظم و تداوم حیات رقم می‌خورد. می‌توان گفت تنین اشتقاقی از اسطوره یام و بعل است که در بازه زمانی ۲۵۰۰ پیش از میلاد تا سده ششم هجری، در جغرافیای مختلف دگرگونی‌هایی یافته است؛ تکه‌تکه شده، قسمت‌هایی از آن از بین رفته و یا فرد یا افرادی برحسب روزگار خویش، از قبل مخاطب پسند کردن برای عصر خویش، قسمت‌هایی به آن افزوده‌اند یا گاهی روایتی از اقلیمی را دهان‌به‌دهان شنیده‌اند و پیرمردی داستانی از عصاره شنیده‌هایش را جابه‌جا کرده است تا اسطوره‌ای که سرچشمه امید به ادامه دادن و جنگیدن با مصائب روزگار بود، امید به بازگشت آب و حیات و زاینده‌گی طبیعت بود، در هر دوره‌ای نقطه نوری در وجود انسان‌ها باشد. حال این نقل از زاینده‌گی سر جاودانه و خودجوش هیدرا در یونان باشد یا نماد زن و زاینده‌گی در عرصه اسلامی. در یک الگوی چهار مرحله‌ای ارائه شده به وسیله مفاهیم بنیادین بیش‌متنیت از دسته‌بندی ترامتنیت ژرار ژنت، تأثیر کلی و الهام بخشی اسطوره یام و بعل در کتب مقدس، افسانه‌ها و عجایب روزگار اسلامی، تبیین شد. اینکه تنین نام دقیق کدام ویژگی بصری و یا افسانه است، به واقع قابل تمییز نیست، چون این نام مختص عجایب‌نامه‌های اسلامی است؛ اما آنچه مسلم است، ریشه حضور، اژدهایی است به نام کوکب

التنّین که در آسمان، خورشید را از مردم می‌گیرد؛ یا اژدهایی است که زندگی را در جزیره مار بر مردم تنگ می‌کند. موجودی است که بسیار و همناک و غیرقابل شکست به نظر می‌آید؛ همانند لویاتان که داوود نبی می‌داند هیچ موجودی قادر به مقابله با او نیست. یا هیدرایی که نقش اژدها با گردن‌های مارگونش نشان از چشمه‌های حیات جوشان دارد. اژدهای هفت سر دریا با نام‌های متعدد، موجودی شرور و آبی است که به ویرانی و تباهی مردم می‌گراید و هیچ‌کسی توان مقابله با او ندارد مگر خدا و بندگان برگزیده او مانند اسکندر ذوالقرنین. آنچه در کتاب مسلمانان ترسیم و به آن تنّین گفته شده، در واقع تراکونگی از پیش‌متن‌هایی مانند نینورتا و یا یام و بل کنعانی است. هرچند که باگذشت زمان، اهمیت عدد هفت کم‌رنگ شده و در افسانه هیدرا به تعدد رسیده و یا در عجایب‌المخلوقات قزوینی به شش سر مارگون و یک سر انسانی (هفت‌سر) وفادار مانده است.

منابع و مأخذ

پیرحیاتی، زهرا، حیدری، علی، بررسی تذکره اولیا و مثنوی‌های عطار بر اساس نظریه بیش متنیت ژنت، نشریه علمی پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهرگویا)، سال پانزدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۱۸ تا ۱۸۰. جعفری قنوتی، محمد، ۱۴۰۰، عجایب نامه‌ها، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، 06.05.1400، <https://www.cgie.org.ir/fa/article/258177/%D8%B9%D8%AC%D8%A7%DB%8C%D8%A8-%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%E2%80%8E%D9%87%D8%A7>

حری، ابوالفضل، عجایب نامه‌ها به‌منزله ادبیات و همناک (با نگاهی به برخی از حکایت‌های کتاب عجایب هند)، فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی، شماره ۱۵، سال ۴، پاییز ۱۳۹۰، ۱۳۷ تا ۱۶۴. دشت ارژنه، محمود، بیژن زاده، محمد، نقد و بررسی داستان (آن پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت از بهر تعصب) از مثنوی مولوی بر اساس رویکرد بینامتنیت، متن پژوهی ادبی، سال ۲۰، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۹۵، ۱۶۸ تا ۱۸۹.

رامهرمزی، شهریار بن، ۱۳۴۸، عجایب الهند، ملک‌زاده، محمد، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران رحیمی اتانی، سمیرا- پناهی، سیامک، خوانش بینامتنی آثار برنارد چومی با تأکید بر مفهوم فضای بینابین، دو فصلنامه علمی- ترویجی پژوهش هنر، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ۱۱۳ تا ۱۲۱. عبداللهی، منیژه، ۲۰۱۷، بحثی کوتاه در باب عجایب نامه‌ها، بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، 01.06.2017،

<https://www.sid.ir/paper/514788/fa#downloadbottom>

کاظم پور، زیبا، عابد دوست، حسین، تداوم رابطه مناد و نوشتار در هنرهای اسلامی و گرافیک معاصر ایران با تمرکز بر نظریه بینامتنیت ژنت، مبانی نظری هنرهای تجسمی شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۱۱۸ تا ۱۳۲.

گراهام، آلن، ۱۳۸۵، بینامتنیت، پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز. حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۷۵، دانشنامه جهان اسلام جلد یک، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی. محمدزاده، مهدی، مهنان، قهاری، بررسی تطبیقی صور نجومی در نسخه صورالکواکب و آثار فلزی سده‌های پنجم تا هفتم، فصلنامه نگره، شماره ۱۴، بهار ۱۳۸۹، ۵ تا ۲۱. نامور مطلق، بهمن، ۱۳۹۰، درآمدی بر بینامتنیت، نظریه و کاربردها، تهران، نشر سخن. نامور مطلق، بهمن، بیش متنیت ژنتی به‌مثابه رویکردی در خوانش متون تصویری؛ مطالعه موردی: لوگوی هوایمایی جمهوری اسلامی ایران، نشریه رهپویه هنر/ هنرهای تجسمی دوره ۵ شماره ۱ بهار ۱۴۰۱، ۱۷ تا ۲۵.

نامور مطلق، بهمن، ترامتیت مطالعة روابط یک متن با دیگر متن‌ها، پژوهشنامه علوم انسانی: شماره ۵۶، ۱۳۸۶، ۱۲۷ تا ۱۴۲.

BADIEE, J. (1981). THE SARRE QAZWINI: AN EARLY AQ QOYUNLU MANUSCRIPT? ARS ORIENTALIS.

Bauks, M. (2019). Tannin. Das wissenschaftliche Bibellexikon im Internet.

BUDGE, W. (1889). The History of Alexander the Greate Bieng the Syriac Version of the Pesudo. CAMBRIDGE: AT THE UNIVERSITY PRESS.

Çağlar Abiha, B. (2016). Geleneksel Halk Sanatında Şahmaran Motifleri ve Bu Motiflerin Dili. folklor/edebiyat, cilt:22.

Enns, p., & Longman, T. (2008). Dictionary of the old testament. InterVarsity Christian Fellowship/USA.

Gurevitch, D. (2016). Symbolism and Fantasy of the Biblical Leviathan: From Monster of the Abyss to Redeemer of the Prophets. JISMOR 10.

Lambert, W. (n.d.). <https://omnika.conscious.ai/texts/179>. Retrieved from Enuma Elish» English Translation: <https://omnika.conscious.ai/texts/179>

Mark S. , S., & Wayne , T. (2009). The Ugaritic Baal Cycle Volume II. LEIDEN • BOSTON.

Moor, B. (2012). Shahnama Kings and Heroes in 'Aj a'ib al-Makhluq at Illustrated Manuscripts. LEIDEN • BOSTON.

Moor, b., & milstein, r. (2006). wonder of a changing world, late illustrated ajaib manuscripts (part1). JSAI31.

Van der Toom, K., Becking, B., & W. van der Horst, P. (1999). DICTIONARY OF DEITIES AND DEMONS IN THE BIBLE. CAMBRIDGE, U.K.: GRAND RAPIDS, MICHIGAN.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Transtextual Reading of the Seven-Headed Sea Dragon with Emphasis on the Role of the Tannin in Islamic Ajayib-namehs

Abolfazl Abdollahi Fard, PhD in Art Research from Shahed University, Associate Professor, Dean of the Faculty of Visual Arts at Tabriz Islamic Art University, Faculty Member at Tabriz Islamic Art University, Member of the Faculty of Visual Arts at Tabriz Islamic Art University, Iran.

Parvin Pourzeynal, MA Student at Tabriz Islamic Art University, Iran.

Received: 2023/10/22 Accepted: 2024/03/13



Tannin, a hybrid creature with seven heads, is one of the mysterious myths deeply rooted in history and prominently featured in Ajayib-nameh; the compendium of wonders. The depiction of the serpent-like Sea Dragon with seven heads has been known by different names throughout history, appearing in myths such as Yamm and Baal among the people of Mesopotamia, as well as in the narratives of Alexander the Great, spanning from the region between the rivers to the Island of Mar. Later, it found a place in the imaginative realm of the Ajayib-nameh copies; captivating the imagination of readers across various cultures, spanning from Judaism to Islam, and journeying from Greece to Iran. Relying on various names like Rahab, Leviathan, Tannin, and Yamm, this role extended its influence beyond the boundaries of the Ajayib-nameh. The presence of this creature is not confined solely to the Ajayib-nameh; rather, it has traveled through time and across different cultures, finding mention in the sacred texts of Judaism and Christianity, as well as in the myths of the Canaanite people, often etched on clay tablets. This provides evidence of the longstanding existence of such hybrid creatures in various societies across different epochs. Proving the connections between these depictions and myths is undoubtedly challenging, but Gérard Genette's theory of Transtextuality proves to be a practical approach, particularly in the interpretation of visual texts. It effectively reveals the interconnectedness of textual and visual networks, as well as their relevant connotations. In a four-stage process, the accuracy of interpreting these depictions has been established through specific categorizations based on Genette's theory. This method has allowed scholars to shed light on the enigmatic relationships between these ancient representations and their associated myths. The objective of searching for the traces of the Seven-Headed Sea Dragon in history is to uncover hidden truths concealed behind it and to



Negareh

provide a deeper understanding and foundation for contemporary works of art by comprehending the ancient symbols embedded within these depictions. Through this pursuit, researchers aim to shed light on the enigmatic aspects of this mythical creature, thus enriching and giving meaning to modern artistic creations. By delving into the roots of these ancient representations, a more profound comprehension of the underlying concepts and their significance can be attained; allowing artists to draw inspiration from the past and infuse their contemporary works with a sense of depth and connection to historical myths. Ultimately, this research endeavor seeks to bridge the gap between the past and the present, enabling a more insightful exploration of the timeless themes present in art throughout the ages. **Questions** such as: 1) In general, the Tannin is attributed to which creature? 2) How can Gérard Genette's theory of Transtextuality be applied to interpret the role of Tannin and its connection to ancient myths? have been addressed in this research using descriptive-analytical **method**. The statistical population of the current article includes all depictions and narratives of the Seven-Headed Sea Dragon, which have been preserved as artistic or literary works, such as stories and myths that are available for study. Six representations and narratives have been consciously and purposefully selected as study samples by the authors and have been analyzed visually and thematically. These samples have been collected from credible textual versions preserved in museums and historical art centers. The necessity leading to the formation of this article lies in the fact that through the application of the method of Transtextuality, the existing connections among these depictions can be expressed, and scientifically prove the breadth and interrelation of myths with legends. Additionally, in the modern era where artists are inclined towards ancient patterns in all artistic disciplines, a better understanding and recognition of these historical myths, achieved through this research, contribute to the creation of meaningful and enriched works of art. The **results** indicate that Tannin is an ancient mythical creature with one human head and six serpent heads; representing a primordial entity embodying malevolent beliefs. It is believed that this creature can only be transcended through an indomitable power, such as God or his righteous servants, which renders it elusive and unattainable. Furthermore, based on the theory of Transtextuality, a method employed in interpreting visual texts, there exists a demonstrable visual and conceptual connection among the selected study samples. In essence, it can be asserted that myths, throughout history, have evolved and faded in accordance with prevailing beliefs and convictions. What remains are the mythical elements and conceptual underpinnings that endure, manifesting in transformed forms as folklore and popular narratives. This enduring aspect of myths and their capacity to adapt to various cultural contexts illustrate their intrinsic appeal and timeless relevance.

Keywords: Tannin, Dragon, Seven-Headed Dragon, Transtextuality, Ajayib-nameh, Myth

References:

- Abdollahi, Manijeh. (2017). «A Brief Discussion on Wonders», Faculty of Persian Language and Literature, School of Paramedical Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, June 1, 2017. Retrieved from: 1981 <https://www.sid.ir/paper/514788/fa#downloadbottom>
- Badiee, J. (1981). The Sarre Qazwini: An Early Aq Qoyunlu Manuscript? *Ars Orientalis*.
- Bauks, M. (2019). Tannin. *Das wissenschaftliche Bibellexikon im Internet*.
- Budge, W. (1889). *The History of Alexander the Greate Bieng the Syriac Version of the Pesudo*. Cambridge: AT The University Press.
- Çağlar Abiha, B. (2016). Geleneksel Halk Sanatında Şahmaran Motifleri ve Bu Motiflerin Dili. *folklor/edebiyat, cilt:22*.



Negareh

- Dasht Arzhaneh, Mahmoud, & Bijanzadeh, Mohammad. (1395). «Critique and Analysis of the Story 'The King of Judah Who Killed Christians out of Prejudice' from Rumi's Mathnawi based on the Intertextuality Approach.» *Literary Text Studies*, Volume 20, No. 68, Summer 1395, pp. 168-189.
- Enns, p., & Longman, T. (2008). *Dictionary of the Old Testament*. InterVarsity Christian Fellowship/ USA.
- Graham, Alan. (2006). «Intertextuality.» Peyam Yazdanjoo Publications, Tehran.
- Gurevitch, D. (2016). *Symbolism and Fantasy of the Biblical Leviathan: From Monster of the Abyss to Redeemer of the Prophets*. Jismor 10.
- Haddad Adel, Gholam Ali. (1996). «Encyclopedia of the Islamic World, Volume One.» Tehran, Islamic Encyclopedia Foundation.
- Hori, Abolfazl. (1390). «Wonders as Literature and Metaphor (with a Look at Some of the Stories of the Indian Wonders).» *Literary Criticism Quarterly*, No. 15, Volume 4, Autumn 1390, pp. 137-164.
- Ja'fari Ghanavati, Mohammad. (1400). «The Wonders of the World.» Islamic Encyclopaedia Center. Retrieved on May 6, 1400 from: <https://www.cgie.org.ir/fa/article/258177/%D8%B9%D8%AC%D8%A7%DB%8C%D8%A8-%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%E2%80%8E%D9%87%D8%A7>
- Kazempour, Ziba & Abeddoust, Hossein. (1400). «The Continuity of the Relationship between Minad and Writing in Islamic Arts and Contemporary Graphic Design in Iran with an Emphasis on Genette's Intertextuality Theory.» *Foundations of Theoretical Visual Arts*, No. 11, Spring and Summer 1400, 118-132.
- Lambert, W. (n.d.). <https://omnika.conscious.ai/texts/179>. Retrieved from Enuma Elish» English Translation: <https://omnika.conscious.ai/texts/179>
- Mark S. , S., & Wayne , T. (2009). *The Ugaritic Baal Cycle Volume II*. Leiden • Boston.
- Moor, B. (2012). *Shahnama Kings and Heroes in 'Aj a'ib al-Makhlûq at Illustrated Manuscripts*. Leiden • Boston.
- Moor, b., & milstein, r. (2006). wonder of a changing world, late illustrated ajaib manuscripts (part1). JSAI31.
- Mohamadzadeh, Mehdi & Ghaari, Mohsen. (1389). «A Comparative Study of Astronomical Images in the Manuscript of Suvar al-Kawakib and Metal Works of the Fifth to Seventh Centuries.» *Negareh Quarterly*, No. 14, Spring 1389, pp. 5-21.
- Namvar Motlaq, Behman. (1390). «An Introduction to Intertextuality: Theory and Applications.» Tehran, Sokhan Publications.
- Namvar Motlaq, Behman. (1401). «Genette's Hypertextuality as an Approach to Reading Visual Texts; A Case Study: The Logo of the Islamic Republic of Iran Airline.» *Rappoieh Art Quarterly/ Visual Arts*, Volume 5, No. 1, Spring 1401, pp. 17-25.
- Namvar Motlaq, Behman. (1386). «Transtextuality: A Study of Relationships between a Text and Other Texts.» *Human Sciences Research Journal*, No. 56, 1386, pp. 127-142.
- Pirhayati, Zahra, & Heydari, Ali. (2021). «A Study of Tazkirat al-Awliya and Attar's Mathnawi based on Genette's Hypertextuality Theory.» *Gohar-e Goya: Journal of Literary and Mystical Studies*, Vol. 15, No. 1, Spring and Summer 2021, pp. 1-18.
- Rahimi Etani, Samira & Panahi, Siyamak. (1395). «Intertextual Reading of Bernard Chumi's



Negareh

Works with Emphasis on the Concept of Inter-space.» Art Research Quarterly, Volume 6, No. 11, Spring and Summer 1395, pp. 113-121.

Ramhormozy, Shahriar bin. (1348). «The Wonders of India.» By Mohammad Malekzadeh. Iran's Culture Foundation Publications.

Van der Toom, K., Becking, B., & W. van der Horst, P. (1999). Dictionary of Deities and Demons in the Bible. Cambridge, U.K.: Grand Rapids, Michigan.

